

تنظیم خانواده و مبنای فقهی آن با تأکید بر بیانات حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

فاطمه احمدی بیغش^۱

چکیده

خانواده از ارکان اصلی جامعه اسلامی و از جایگاه والایی برخوردار است. سیاست کنترل جمعیت و محدود نمودن آن از سال ۱۳۶۸ در جمهوری اسلامی ایران از طرف نهادهای حاکمیتی جهت رهایی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و تا سال‌های پیاپی بدون توجه به عواقب سوء آن اجرا گشت. در سال‌های اخیر با آشکار شدن خطرهای جدی و جبران ناپذیر آن، رهبر فرزانه ایران بر تجدیدنظر در این سیاست تأکید و عواقب سوء آن را گوشزد کردند؛ این فرمایش‌ها که از سوی ولی فقیه جامع‌الشرایط مطرح شده، علاوه بر پشتوانه فکری و کارشناسی دقیق از مستندات فقهی و شرعی نیز بهره‌مند است که می‌تواند به‌عنوان «سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران» مبنای عمل قرار گیرد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به کتب و مقالات معتبر، تدوین شده است. هدف از پژوهش، استناد به بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) درباره جمعیت و تنظیم خانواده به همراه محورهای اساسی آن می‌باشد. حال باید دید منظور از تنظیم خانواده در دیدگاه رهبر معظم انقلاب چه چیزی است؟ آن چه به عنوان ره‌آورد پژوهی از این تحقیق استنباط می‌گردد مطلوب بودن جمعیت و توجه به شاخصه‌های کیفی آن، وظایف حاکمیت در قبال آن و ... می‌باشد. لذا تحقیق پیش‌رو اهتمام دارد رویکردی جدید همراه با مباحث مهمی چون بررسی نظرات مختلف درباره تنظیم خانواده، مستندات فقهی این دیدگاه، توجه به معنویت، تعلیم و تربیت و ... را بیان دارد.

واژگان کلیدی: تنظیم خانواده، تحدید نسل، تکثیر نسل، مبانی فقهی، مقام معظم رهبری.

^۱ دانش پژوه مقطع سطح سه، موسسه آموزش عالی حوزوی عبدالعظیم (علیه السلام)، ایران، تهران، ری.





مقدمه

تنظیم خانواده در اصطلاح جمعیت‌شناسی، عملی آگاهانه و ارادی است که در خانواده و جامعه دارای هدف است. سیاست محدود کردن جمعیت، از سال ۱۳۶۸؛ در ایران مورد توجه قرار گرفت که باعث حرکت کشور به سوی کاهش جمعیت جوان در سال‌های آتی شده است. از آن جا که این مسئله کشور را از جهات گوناگون در معرض خطرات جدی و جبران‌ناپذیر قرار داد، رهبرانقلاب این مسئله را با جدیت به مسئولین و مردم تذکر دادند و خطرات تحدید نسل و راه‌کارهای افزایش جمعیت را در مناسبت‌های مختلف بیان کردند. بیانات ایشان ضمن تأکید بر ضرورت توقف سیاست کنترل جمعیت، درگیرنده نکات مهم است که می‌تواند بیان‌کننده دیدگاه معظم له درباره «سیاست جمعیتی کشور» باشد. طرح این دیدگاه از سوی ولی امر مسلمین نشانه آن است که این تفکر علاوه بر پشتوانه‌های علمی و کارشناسی، بر ارزش‌های صحیح و محکم دینی استوار بوده و نمی‌تواند بدون توجه به مبانی فقهی مطرح شده باشد؛ از این جهت تبیین این دیدگاه و استخراج مبانی و مستندات فقهی آن، علاوه بر معرفی بهتر این نظریه به عنوان «سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران» به تدوین قوانین لازم در این باره و ایجاد سازوکارهای اجرایی آن کمک بسیاری می‌کند. با تأمل در بیانات رهبری در حوزه جمعیت و خانواده، می‌توان دیدگاه معظم له را نسبت به جمعیت و تنظیم خانواده در سه محور اساسی معرفی کرد:

محور اول: مطلوب بودن جمعیت

محور دوم: توجه به شاخصه‌های کیفی جمعیت

محور سوم: اجتماعی بودن مسئله جمعیت و وظایف حاکمیت در این مورد

هدف مقاله تبیین هریک از محورها با تأکید بر بیانات امام خامنه‌ای و پرداختن به مبنا و مستندات فقهی آن می‌باشد. امید است در این برهه حساس که خطرهای کاهش جمعیت و صدمات جبران‌ناپذیر آن آشکار شده، این نوشتار به تقویت و گسترش این اندیشه ناب و کارآمد

کمکی ناچیز کرده باشد.

محور اول: مطلوب بودن جمعیت

در بیانات رهبری، مطلوب بودن جمعیت مشهود است؛ ایشان می‌فرمایند: کشور ما یکی از نادرترین کشورها در زمینه آبادانی است؛ اگر دو برابر امروز جمعیت داشته باشیم، باز می‌توان بدون کمترین نیاز به کشورهای دیگر، خود را به بهترین شکل اداره کنیم؛ این ظرفیت خوب، هم در خاک بابرکت، استعدادهای انسانی ممتاز کشور، دستورات و قانون اساسی و هم در مسئولان ما وجود دارد. بنده معتقد به کثرت جمعیتم، هر تدبیری که می‌خواهد برای توقف رشد جمعیت انجام گیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد (دیدار معظم له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه، ۵/۱۶/۱۳۹۰) قبل از بررسی مبانی فقهی این محور، لازم است نظریات موجود نسبت به سیاست جمعیت را مطرح نمود.

۱) نظریات جمعیت‌شناسی

در زمانی که محدودیت منابع طبیعی، کمبود منابع غذایی در جهان همراه بی‌عدالتی و تبعیض‌ها رشد بی‌سابقه جمعیت را به فاجعه‌ای بزرگ و غیرقابل کنترل تبدیل نموده، توصیه سیاستمداران غربی، به جای سامان بخشی به توزیع ثروت، توصیه به باروری کنترل شده کردند؛ آنان بر این باورند که برای رفع فقر، گرانی، قانون شکنی، قتل، غارت، تجاوز، ناامنی و فتنه‌انگیزی به جان و مال افراد، نیاز به کنترل موالید با بهره‌مندی از شیوه‌های مدرن است، شیوه‌هایی که معرفی آن به افراد جامعه ضروری است. (طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۵۰) به طور کلی در میان جمعیت‌شناسان چهار نظریه پیرامون جمعیت وجود دارد:

الف) موافقین افزایش جمعیت

این نظریه بیشتر در قدیم طرفدار داشته و حامیان آن با توجه به آن که قدرت يك قوم را به واسطه کثرت جمعیت آن می‌دانستند؛ با تحدید نسل مخالف و از افزایش جمعیت يك قوم یا



يك کشور، طرفداری می نمودند. (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴) حامیان این نظریه با طرح این که امکانات کره زمین جهت تغذیه تعداد بسیاری، به مراتب بیش از آن چه اکنون وجود دارد، کافی به نظر می رسد، به انتقاداتی از این دست بی توجه بودند. (کتابی، ۱۳۶۴، ص ۴۲) به عنوان مثال یکی از مخالفین تقلیل جمعیت معتقد است که زمین قادر است با استفاده از تکنولوژی تا نه میلیارد انسان را تغذیه کند. (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۸) ریشه این تفکر در فضای گذشته تاریخ است که قدرت يك قوم را در کثرت جمعیت که به افزایش سپاه، نیروی کار، آبادانی عظمت سیاسی و اقتصادی آن قوم منجر می شود، تعریف می کردند. واقعیتی که در زمان خود مسلم بود و هنوز هم رنگ و بوی خود را از دست نداده؛ به شکلی که اقوام و پیروان مذاهب به علت کثرت جمعیت دارای حوزه های قدرت هستند. می توان در این مورد به آیه شریفه «وَأُيْمَدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ» (نوح، آیه ۱۲) استناد نمود و اولاد را در کنار اموال، از مصادیق مدد الهی می داند. کشور ظرفیت های زیادی دارد، ان شاء الله مسئولین کمک کنند تکثیر جمعیت جوان که امروز خوش بختانه وجود دارد از بین نرود؛ نسل را متوقف نکنند؛ جمعیت کشور را به تدریج در طول سال ها به پیری منتهی نکنند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۱ / ۵ / ۱۳۹۵)

ب) مخالفین افزایش جمعیت

در قرن هجده و نوزده، از جمله عقایدی که طرح شد و موافقین بسیار داشت و تلاش خود را به نفی رابطه فقر و توزیع ناعادلانه ثروت معطوف کرد، نظریه فردی انگلیسی به نام توماس رابرت مالتوس (۱۷۶۶) بود که درگذشت زمان توسط خود وی و طرفدارانش پرورده شد؛ او به وضوح فقر را منشا کثرت جمعیت می داند و طبیعتاً مبارزه با فقر را در مخالفت با ازدیاد نسل منحصر می سازد. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۷۱۷) او معتقد است جامعه نباید به فقر کمک کند تا در اثر سختی معیشت، صاحب فرزند کمتری شوند. (کتابی، ۱۳۶۴، صص ۹۲-۹۳)

بر ادعای مالتوس اشکالاتی وارد است که در جای خود قابل تأمل است. (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۹۸) طبیعی است عقیده مالتوس، حفظ نظام سرمایه داری و جلوگیری از سقوط آن است؛ البته در نگاه جهانی باید گفت: بدون توجه به توزیع برابر و عادلانه ثروت، فقر جهانی تنها با

جلوگیری از کثرت جمعیت از بین نمی‌رود، اما روند شتابان فقر را کند می‌کند.

برای مسئله نسل، گزارش‌هایی می‌رسد که مسئله جلوگیری از منع باروری درست انجام نمی‌گیرد؛ بعضی جاها همچنان در برپاشنه قبل می‌گردد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰) نمی‌خواهیم قضیه را با شعار پیش ببریم؛ متفکرین و صاحبان دانش مرتبط با مسئله جمعیت می‌توانند منطق صحیح و قابل قبولی ارائه کنند. فرهنگ سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را می‌زند که متأسفانه امروز این فرهنگ سازی نیست. (بیانات رهبری در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»، ۱۳۹۲/۸/۸)

ج) جمعیت ثابت

در این نظریه، با کاهش و افزایش جمعیت مخالفت شده و قائلین به آن معتقدند تغییرات جمعیت، نظام اجتماع را به هم می‌زند و باید جمعیت در اندازه موجود باقی بماند. از حامیان این عقیده، جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) است که بر ثبات جمعیت تأکید می‌کند. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) افلاطون نیز معتقد است جمعیت يك شهر باید در همان حد ۵۰-۴۰ نفر ثابت بماند، حتی در برخی صور، حکم به از بین بردن نوزادان می‌کند. (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳) نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر پیش رویم، کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولیدمثل را زیاد و نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه به این شکلی که امروز هست خطاست. این نسل جوانی که امروز داریم، اگر در ده- بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را حل می‌کنند؛ با آن آمادگی و نشاطی که در نسل جوان هست و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم. (بیانات معظم له در اجتماع بزرگ مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹)





د) جمعیت متناسب

طبق این نظریه، بهترین میزان تراکم جمعیت که بتوان بیشترین محصول فردی را ایجاد کند، حدّ کافی برای جمعیت شناخته می‌شود. (بهنام، ۱۳۴۱، ص ۱۷۹) ابن خلدون نیز موافق این عقیده است (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۱۶) این عقیده آمیخته‌ای از نظریه‌های قبل است و در شرایط متفاوت، احکام متفاوت دارد، اگر در جامعه‌ای فقر شدید ایجاد شد، می‌توان جمعیت را کم و اگر قدرت سیاسی قومی به واسطه قلّت جمعیت رو به ضعف رفت، می‌توان حکم به تکثیر جمعیت نمود؛ به بیان دیگر در این قول کثرت و قلّت اصالت ندارد و تابع متغیرهای دیگر هستند. اگر این قول را از منظر فقهی تفسیر کنیم، کثرت و قلّت جمعیت فاقد حکم مستقلاً اند و با قرار گرفتن تحت عناوین دیگر واجد احکام شرعی می‌شوند.

۲) سیاست جمعیتی اسلام

شاید در نگاه اول نظریه چهارم مطابق عقیده اسلام دانسته شود، اما به نظر می‌آید نظریه‌ای که از منابع فقه شیعه استفاده می‌گردد، استحباب تکثیر جمعیت است. تولید مثل و فرزند متعدد داشتن بدون در نظر گرفتن موانع، از منظر اسلام پسندیده و حکم اولیه از نظر اسلام استحباب تکثیر جمعیت بوده، از این جهت اگر نظریه اول را به گونه‌ای تفسیر کنیم که به معنی مطلوبیت ذاتی و اوّلی کثرت جمعیت باشد، چه بسا در هیچ دوره‌ای از تاریخ نسبت به این امر وجوبی در کار نبوده است، می‌توان ادعا کرد دیدگاه اسلام موافق با همان عقیده اول است. در این بخش به تفصیل در مورد آن سخن گفته و ادله فقهی آن را بررسی می‌نماییم.

مبنای فقهی مطلوب بودن جمعیت

در باب استحباب تکثیر اولاد در اسلام، به چند دسته از روایات استناد شده که به تفصیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. روایاتی که دلالت دارند هنگام ازدواج زنی را انتخاب کنید که فرزند زیاد می‌آورد

صحیحه محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: «قال رسول الله ﷺ: تزوّجوا بکراً ولوداً و

لاتزوّجوا حسناء جمیلة عاقراً؛ فإنی أباهی بکم الامم یوم القیامة» (طباطبائی بروجردی، ۱۳۸۳، ص ۵۸، ح ۲۰) امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد، ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت بر امت‌ها مباحثات می‌کنم. واضح است که تشویق به ازدواج با «ولود» و بیان علتی که برای آن ذکر نموده دلالت بر مطلوبیت فرزند زیاد دارد.

۲. روایاتی که تشویق به ازدواج به جهت فرزندآوری می‌کنند.

صحیحة ابن رثاب عن محمد بن مسلم أو غیره عن أبی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله تزوّجوا فإنی مکثر بکم الامم غداً فی القیامة... (قمی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۳، ح ۳) امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌نمایند: ازدواج نمایید؛ چون من در قیامت به فزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم.

روایتی که در کتاب خصال در حدیث چهارصدگانه از امام علی علیه السلام آمده. تزوّجوا؛ فإنی رسول الله کثیراً ما کان یقول: من کان یحبّ أن یتبع سنتی فلیتزوج. فإنی من سنتی التزویج و اطلبوا الولد فإنی أکثر بکم الامم غداً (طباطبائی بروجردی، ۱۳۸۳، ص ۲۰، ح ۸) ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که دوستدار پیروی از سنت من است، باید ازدواج کند. همانا ازدواج جزء سنت من است و در طلب فرزند باشید؛ من در فردای قیامت به فزونی جمعیت شما بر امت‌ها تفاخر می‌کنم. اطلاق «اطلبوا الولد» محبوبیت زیاد نمودن فرزند را در برمی‌گیرد. به علاوه علتی که در ذیل روایت بیان شده بر مطلوبیت آن دلالت دارد.

فرزندآوری از مهم‌ترین مجاهدت‌ها و وظایف زنان است؛ فرزندآوری هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. صبر و احساسش را به آن‌ها داده است. اگر چنانچه ما این‌ها را در جامعه به فراموشی نسپریم؛ آن وقت پیشرفت خواهیم کرد. (بیانات معظم له در دیدار جمعی از مداحان، ۱/ ۲/ ۱۳۹۲)



۳. روایاتی که بر مطلوب بودن افزودن بر تعداد فرزندان اشاره دارد.

عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن محمد بن مسلم عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: أكثرُوا الولدَ أكثَرُ بكم الأممَ غدًا (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۲) امام صادق عليه السلام از پیامبر ﷺ نقل کردند: بر تعداد فرزندان بیفزایید؛ در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم.

عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن عثمان بن عيسى عن ابن مسكان عن بعض أصحابه إنه قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: من سعادة الرجل أن يكون له ولد يستعين بهم؛ (همان) امام سجاد عليه السلام می‌فرمایند: از سعادت مرد داشتن فرزندانی است که از آنان یاری جوید.

عن عدة من أصحابنا أحمد بن محمد بن خالد عن بكر بن صالح قال: كتبتُ إلى أبي الحسن عليه السلام: إني اجتنبْتُ طلب الولد منذ خمس سنين وذلك أن أهلي كرهت ذلك وقالت: إنه يشتدُّ على تربيتهم لقلَّة الشيء فماترى؟ فكتب عليه السلام إلي: اطلب الولد فإن الله يرزقهم (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۳) از امام کاظم عليه السلام در نامه‌ای پرسیدم: پنج سال است که از بچه‌دار شدن اجتناب می‌کنم زیرا همسر من از این کار ناخشنود است و می‌گوید برای من تربیت و نگه‌داری فرزند با کمبود مالی مشکل است. شما چه می‌فرمایید؟ امام در پاسخ گفتند: در پی فرزنددار شدن باش؛ روزی او را خدا می‌دهد.

در بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) این نکته به وضوح دیده می‌شود: «همچنان که ما فکر می‌کنیم اگر چهار، پنج بچه افتاد روی دوش يك خانواده وضع زندگی‌شان چگونه خواهد شد، فکر این را هم کنید که بچه‌ها وقتی بزرگ شدند و شغلی پیدا کردند چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور کنند.» (دیدار معظم له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه، ۹/ ۸/ ۱۳۹۲) از روایات گذشته مستحب بودن وجود فرزند و افزایش نسل به دست می‌آید؛ نه وجوب آن. شاهد بر این ادعا، سخن رسول اکرم ﷺ است (بأني أباهي وأكثُر يوم القيامة) و همین‌طور پر شدن زمین از تسبیح و امثال این جملات، که از آن صرفاً محبوبیت و استحباب استفاده می‌گردد.

عروفي بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش

کند، آمر به معروف است؛ معروف‌ها این‌ها هستند: اعتلای فرهنگ، محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل؛ همه موظفند در راه این معروف‌ها تلاش کنند. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱)

محور دوم: شاخصه‌های کیفی جمعیت

رهبر انقلاب می‌فرماید: من این را همین‌جا عرض کنم؛ جمعیت جوان، تحصیل کرده و باسواد کشور، امروزی‌کی از عوامل اساسی پیشرفت کشور است. در آمارهایی که داده می‌شود، نقش جوان‌های تحصیل کرده، آگاه و پرنشاط را می‌بینید. باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. (بیانات مقام معظم رهبری در تابستان سال ۱۳۹۱ در جمع مسئولان نظام) قطعاً این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب و هوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه علمی، می‌تواند یک کشور پرجمعیت باشد و ان شاء الله خودش هم این جمعیت را اداره کند. (بیانات معظم له در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»، ۱۳۹۲/۸/۸)

از مباحث گذشته این نتیجه به دست آمد که حکم اولیه اسلام در زمینه تنظیم خانواده استحباب و مطلوب بودن جمعیت زیاد است و جنبه کیفی آن مدنظر اسلام بوده و اگر شاخص کیفی منظور نباشد بعید است تکثیر اولاد مستحب باشد. لذا آن‌چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن توصیه کردند، تکثیر فرزندان شایسته و نیکو است و بدون شك توجه به کیفیت و ابعاد روحی و جسمی فرزندان، منجر به محدودیت‌هایی در تولید مثل می‌گردد؛ اگر نشانه‌های اطمینان بخشی وجود داشته باشد که وجود فرزندان زیاد باعث به سختی افتادن والدین و نابسامانی زندگی آن‌ها یا دور شدن از امور معنوی به سبب اشتغال بیش از اندازه به فرزندان می‌شود، کثرت فرزندان استحباب ندارد، لذا نظر اسلام مطلوب بودن افزایش جمعیت در عین حال جمعیت‌داری و ویژگی و کمالات جسمی، فکری و معنوی است، نه جمعیت فاقد این شاخص‌ها، که در این بخش شاخصه‌ها، ادله و مستندات فقهی آن بررسی می‌گردد.



الف) توجه به سلامت جسمی

آن چه اسلام و پیامبر ﷺ در تشویق افراد به کثرت جمعیت توصیه نمودند، تکثیر فرزندان شایسته و نیکو است و توجه به کیفیت و ابعاد جسمی فرزندان، موجب محدودیت در تولیدمثل می شود. اگر فرزندان زیاد موجب در حرج قرارگرفتن والدین و ضرر به آنان و فرزندان شود، دیگر تکثیر ولد رجحانی ندارد. از روایات باب رضاع به دست می آید که حمل در زمان رضاع منع شده تا فرزندان ضعیف نشوند.

عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا... فَقَالَ كَانَتْ الْمَرَضُوعُ مِمَّا يَدْفَعُ إِخْدَاهُنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَرَادَ الْجَمَاعَ تَقُولُ لَا أَدْعُكَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْبَلَ فَأَقْتُلَ وَلَدِي هَذَا الَّذِي أَرْضِعُهُ... (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۴۱) درباره تفسیر آیه لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا از امام صادق عليه السلام پرسیدند حضرت جواب دادند: زنان شیرده از جماع با همسران ممانعت می کردند و می گفتند می ترسیم باردار شویم و با این کار باعث کشتن فرزند شیرخوار خود شویم.

عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام (ع) نَحْوَهُ وَزَادَ وَأَمَّا قَوْلُهُ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يَضَارَّ بِالضَّبِيِّ أَوْ يَضَارَّ أُمُّهُ فِي رَضَاعِهِ... (همان) در پاسخ سؤال از تفسیر آیه، امام صادق عليه السلام همانا مطالب فوق فرمودند و اضافه کردند و اما قول پروردگار... وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ... همانا خدای متعال نهی کردند که فرزند شیرخوار متحمل ضرر شود یا اینکه مادر او در حالت شیر دادن به او متضرر شود.

عن أسماء بنت يزيد بن السكن سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا تقتلوا أولادكم سرا فإن الغيل يدرك الفارس فيدعثره عن فرسه (سجستانی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۲۴) اسماء بنت یزید بن السكن گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرماید: فرزند خود را مخفیانه نکشید (کنایه از حمل در زمان شیردهی) همانا غیل (شیری که زن باردار به کودک دهد) اثر خود را بر سوارکار می رساند و او را از پای درمی آورد (اشاره به فساد شیرو ضعیف ماندن طفل حتی بعد از بلوغ)





ب) توجه به تعلیم و تربیت

وظایف پدر و مادر، تربیت صحیح فرزندان است که روایات بسیاری در این زمینه نقل شده است.

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَأْدِيبِهِ (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۵: ۱۶۹) رحمت خدا بر کسی که در احسان و محبت به فرزند خود کوشا باشد و به او آداب نیک بیاموزد.

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ... وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ - وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ - (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵: ۱۷۵) و اما حق فرزند تو، پس بدانی که او از تو است و امتداد وجود تو است... و تو مسئول هستی بر آن چه متولی آن نسبت به فرزندت قرار داده شدی و وظیفه تو است او را خوب تأدیب کنی و به خدا راهنمایی کنی که ادب بیشتر به رفتارهای اجتماعی برمی گردد. وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ، به امور معنوی، روحی و دینی خاص برمی گردد. این روایت مربوط به تعلیم است و حسن تأدیب و دلالة و معونه علی طاعت رب و احسان وظایفی است بر دوش پدر، البته الغاء ویژگی می شود و مادر نیز همین حکم را دارد.

ج) توجه به معنویت

ملاک در کثرت اموال و موالید از منظر دین آن است که اموال و فرزندان باید به اندازه‌ای باشد که فکر و ذهن انسان را به حدی مشغول به خود نکند که از دیگر امور زندگی که در رأس آن عبادت و اطاعت خدا و امور معنوی و اخروی است باز بماند. لذا نمی شود گفت زیادی فرزند به طور مطلق پسندیده است. این که برخی روایات به ناپسندی زیادی فرزند اشاره دارد، تأکید همین نکته است. همانند آن چه در کافی آمده: پیغمبر با جمعی از جایی عبور می کردند، گرسنه بودند و از کسی تقاضا کردند از پستان حیواناتشان شیر بدوشند، اما صاحب حیوانات شیر نداد. پیامبر فرمود: «اللهم أكثر ماله و ولده»؛ خدایا! مال و فرزندانش را زیاد کن. از آن جا رفتند و به شخص دیگر رسیدند، او مقداری شیر دوشید و آورد. پیغمبر فرمود: «اللهم ازقه الكفاف» خدایا



او را به قدر کفاف روزی ده. سؤال کردند برای اوّلی که شیر نداد آن طور دعا کردید و برای دومی که شیر داد، این گونه دعا کردید. فرمودند: «ما قلّ و کفی خیر مما کثروا الهی» اگر مال و فرزند کم باشد، بهتر از آن است که زیاد باشد و انسان را از یاد خدا باز دارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ق ۳، ۳۶۳) تصریح آیه قرآن نیز است: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُکُمْ وَلَا أَوْلَادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (منافقون، آیه ۹)، ای کسانی که ایمان آوردید، مبادا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کنند و هرکس چنین کند پس آن ها همان زیانکارانند.

روایت قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "يُوشِكُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ مِنْ كُلِّ أَفْقٍ كَمَا تَتَدَاعَى الْأَكَلَةُ عَلَى قَضَعَتِهَا، قُلْنَا: مِنْ قَلَّةٍ بَنَّا يُؤْمِنُ؟ قَالَ: لَا، أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءٌ كَغُثَاءِ السَّيْلِ، يَنْزِعُ اللَّهُ الْمَهَابَةَ مِنْ قُلُوبِ عَدُوِّكُمْ وَيَجْعَلُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ، قِيلَ: وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ: حُبُّ الْحَيَاةِ وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ" (ابن طاووس، ۱۳۸۰، ۳۷۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۱۸، ق ۲، ۱۲۰) نزدیک است امت های (غیرمسلمانان) شما را مانند دعوت طعام خوران یک تبق دعوت کنند برای تاراج کردن، شخصی پرسید: این از جهت کم بودن ماست؟ حضرت فرمودند: خیر بلکه در آن روز بسیارید اما مانند خاشاک بالای آب سیل؛ پراکنده اید خداوند خوف شما را از دل های دشمنانتان برمی دارد و در دل های شما ضعف می اندازد. پرسیدند: ضعف چیست؟ حضرت فرمودند: حب دنیا و بد دیدن مرگ. روایاتی که اشاره به تربیت صحیح و تعلیم امور دینی به فرزندان که در مباحث پیشین به آن اشاره شد دلالت بر توجه اسلام به جنبه معنوی فرزندان دارد.

محور سوم: اجتماعی بودن مبحث جمعیت و وظایف حاکمیت در این مسأله

موضوع جمعیت هم جنبه فردی مانند تربیت، نفقه و هم اجتماعی مانند اشتغال، بهداشت، تحصیل دارد. در فرمایش های معظم له این مسئله به خوبی نمایان است آن جا که می فرمایند: «فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. با خطاها و عدم دقت هایی که از ما سرزده، یک برهه ای در کشور متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و امروز خطراتش را می بینیم؛ من بارها این را به مردم عرض کردم: پیرشدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد،

از چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی اثرش ظاهر گشت دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.... ما نمی‌خواهیم این قضیه را با شعار و صلوات تمام شود. می‌خواهیم مسئله به شکل عمیق و علمی حل شود؛ گره‌های ذهنی‌ای که وجود دارد باز شود، حقیقت قضیه روشن شود. فرهنگ‌سازی در این مسئله مانند بسیاری از مسائل دیگر اجتماع، حرف اول را می‌زند؛ باید فرهنگ‌سازی شود که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، باید از امکاناتی که در کشور وجود دارد استفاده کنید، تفکر را در کشور بگسترانید. (دیدار معظم‌له با برگزارکنندگان همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه، ۹/۸/۱۳۹۲)

طبق فرمایش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) حاکمیت وظیفه دارد بستر مناسب جهت تحقق احکام اسلامی فراهم نماید و در مواضع خاص با اتخاذ تصمیم مناسب، جلوی خسارت اجتماعی را بگیرد؛ برای تحلیل این مطلب چند نکته قابل طرح است.

گستره حکم حکومتی در تنظیم خانواده

از آن جا که موضوع جمعیت صرفاً موضوع شخصی و خانوادگی نیست و دارای تأثیرات اجتماعی است؛ از این جهت حاکم می‌تواند با توجه به محدوده مصالح اجتماعی در این موضوع ورود پیدا کند. وظیفه حاکم اسلامی در مورد جمعیت در وهله‌ی اول، زمینه‌سازی اجرای احکام اسلامی و فراهم کردن امکانات جهت تربیت آحاد جامعه است؛ زیرا با توجه به فرمایش رهبری بسیاری از مشکلات ناشی از سبک غلط زندگی است نه کمبودهای اقتصادی. در وهله بعد دخالت حاکم در موارد خاص مطابق مصلحت جامعه و جعل قوانین برای تقلیل یا تکثیر جمعیت است؛ بنابراین ولی امر مسلمین می‌تواند تصمیماتی برحسب مصلحت گرفته، طبق آن مقرراتی وضع و به اجرا گذارد، مقررات نامبرده لازم‌الاجرا و مانند مقررات شریعت دارای اعتبار است؛ با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیرقابل تغییر است، اما مقررات موضوع قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی است که آن را به وجود آورده است. طبعاً مقررات تدریجاً تغییر پیدا کرده و جای خود را به احکام بهتر می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۹۸) تقلیل



و تکثیر نسل امری است که برای هر یک از زوجین روا است؛ ولی وادار نمودن یک یا هر دوی آن‌ها، نوعی تجاوز به حق مسلم آن دو محسوب می‌گردد و کسی حق ندارد مجبورشان کند. این سخن از طرف غیرحاکم شرع روشن است. (مؤمن قمی، ۱۳۷۶، ۹: ۱۲۷)

آیا حاکم شرع می‌تواند مردم را به تنظیم خانواده ملزم سازد یا خیر؟

در پاسخ به این سوال واضح است که حاکم شرع این حق را دارد و منظور ما از حاکم شرع، فقیهی است که خداوند ولایت امر امت اسلام را در زمان غیبت ولی الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او سپرده و در جای خود ثابت شده که استواری دولت اسلامی به رهبری آن بستگی دارد. امتیاز حکومت اسلامی بر دیگر حکومت‌ها آن است که خدا کسی را در رأس این حکومت نشانده که خصلت‌های مشخص دارد. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَائِدَه، آیه ۵۵) جز این نیست که ولی شما خدا است و رسول او و مؤمنان...» و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر که فرمودند: «من كنت مولاه فأناً مولاه» (قمی، ۱۴۰۳، ۱: ۶۵) هر که من مولا و سرپرست اویم، علی مولا و سرپرست او است»

آیات و احادیث، استواری حکومت اسلامی را در چارچوب ولایت ولی امر می‌داند و در زمان حضور امام معصوم علیه السلام وی به عهده گیرنده این امر خواهد بود نه شخص دیگر، مگر فردی که ایشان او را برگزیده و ولی خوانده باشد؛ ولی در عصر غیبت، ولایت از آن فقیه جامع الشرایط بلاخص کسی است که مدیریت جامعه اسلامی را به عهده دارد و معنای «ولایت فقیه» نیز همین است. لازمه ولایت يك فرد بر دیگری آن است که هرگاه ولی امر به اقتضای ولایت خویش فرمانی صادر کند، دیگری هیچ اختیاری از خود نداشته، خواه فرد یا جامعه باشد باید فرمان او بی‌کم و کاست اجرا گردد. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (سوره احزاب، آیه ۳۶) هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکم کردند آنان را در کارشان اختیاری باشد.»

امام خمینی (رحمه الله علیه) مصلحت حفظ دین را قاعده‌ای زیربنایی در فقه سیاسی و حکومتی اسلام مطرح کردند که به عنوان يك واجب عقلی و ضرورت شرعی، بی‌نیاز از دلیل



است. (خمینی، ۱۳۶۸، ۲: ۴۶۴) لذا حفظ نظام اسلامی و پاسداری از دین، از بارزترین مصادیق «مالایرضی الشارع بترکه» می‌باشد. (همان، ۴۹۷)

هر زمان ولی امر مسلمین تشخیص دهد صلاح جامعه در این است که زاد و ولد تنظیم شود که یا با توصیه به قلت یا کثرت همراه است، به عنوان مثال در برهه‌ای زمان فرزند کمتر بهتر باشد، ولی امر مسلمین در این خصوص دستور صادر می‌کند که هر یک از خانواده‌ها باید تعداد خاصی فرزند داشته باشند، و زمانی مصلحت و نیاز جامعه به کثرت جمعیت باشد دستوری مطابق آن صادر می‌کند و زوجین را به باروری بیشتر، تشویق می‌نماید و بر امت و جامعه اسلامی است که از این فرمان پیروی کنند. امروزه با توجه به روند پرشتاب سیاست کنترل جمعیت در ایران و تأثیرات مختلف ناشی از اعمال این سیاست در زمینه‌های مختلف، رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۹۰ به‌طور جد توقف سیاست کنترل جمعیت را خواستار شدند و با صراحت اعلام کردند که سیاست کشور باید بر ازدیاد جمعیت مستقر شود. «... معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد؛ معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدامی که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد» (دیدار معظم له با مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، رمضان سال ۱۳۹۱ به نقل از معصومه نادری، ۱۳۹۲، پژوهشکده عفاف)

در تابستان سال ۱۳۹۱ رهبر انقلاب بار دیگر در جمع مسئولان نظام به مسأله افزایش جمعیت اشاره کردند: «... جمعیت جوان، بانشاط و تحصیل کرده کشور امروز یکی از عوامل مهم پیشرفت کشور است ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ اهدافی هم برایش معین کردند. در سال ۱۳۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت رسیدیم، از سال ۱۳۷۱ به بعد باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم؛ کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود...» (همان) محدود کردن نسل، برای کشور خطر بزرگی است. آن‌چه متخصصین و کارشناسان، با نگاه‌های علمی بررسی کردند، ما را به این نتیجه می‌رساند که با روند کنونی، کشور دچار پیری عمومی خواهد شد. (بیانات رهبری



در دیدار مسئولان نظام، ۳۰/۴/۱۳۹۲)

نتیجه گیری

- ۱- دین اسلام و اهل بیت علیهم السلام نسبت به تکثیر اولاد در هر زمانی توجه داشته و اختصاص به زمانی که مسلمانان در قِلّت باشند؛ نداشته زیرا تعابیر وارده در احادیث به عنوان يك قضیه حقیقی و يك سیاست دائمی دین مطرح است.
- ۲- از نظر حکم اولی تکثیر اولاد و ازدیاد نسل، امری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به آن سفارش فراوان نموده و آن را از مستحبات مؤکد شمردند.
- ۳- حکم اولی باید در جامعه اجرا گردد و حکومت اسلامی و یا ولی فقیه موظف هستند؛ حکم اولیه را در جامعه تبلیغ و تا حد امکان احکام اولیه را اجرا کنند و جامعه را به این امر ترغیب کنند. مگر آن که حکم اولیه با حکم دیگر تراحم کند که در این صورت ولی فقیه از باب تقدیم اهم بر مهم، دستور اجرای اهم دهد.
- ۴- از اجرای حکم اولیه موقتاً ممانعت نماید تا مانع برطرف گردد. در عصر حاضر با توجه به روند پرشتاب سیاست کنترل جمعیت در ایران و آسیب های اجتماعی و فرهنگی، ناشی از اعمال این سیاست، توقف آن را خواستار شدند.
- ۵- حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله) معتقدند کشور ایران به طور طبیعی و جغرافیایی ظرفیت پذیرش جمعیت بیشتر را دارد.
- ۶- سیاست کنترل جمعیت به علت مختلف در برهه ای از تاریخ ایران ضروری بوده اما از اوایل دهه هفتاد باید بازنگری و حتی متوقف می شد.
- ۷- جمعیت جوان و بهره مندی کشور از يك نمای جوان و پرنشاط از مهم ترین شاخص ها و سرمایه های يك کشور است که می تواند حرکت و پیشرفت کشور را سرعت دهد و کاهش جمعیت جوان آسیب جدی است.
- ۸- کنترل روند کنونی برای حفظ آینده علمی کشور از رکود ضروری است که با گذر زمان شاید نتوان آن را علاج نمود. مهم ترین راهکار علاج وضعیت کنونی، فرهنگ سازی و ارائه الگوهای فرهنگی است.



منابع و مأخذ

- * قرآن کریم، ترجمه: مهدی محیی‌الدین الهی قمشه‌ای، (۱۳۶۵)، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۱. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۸۰)، الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر، قم: الشریف الرضی.
 ۲. بسیج جامعه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، (۱۴۰۱)، فرزندآوری در کلام مقام معظم رهبری، تهران، معاونت تعلیم و تربیت.
 ۳. بهنام، جمشید، (۱۳۴۱)، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران: دانشگاه تهران.
 ۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)
 ۵. تقوی، نعمت‌الله، (۱۳۷۸)، جمعیت و تنظیم خانواده، تبریز: جامعه پژوه دانیال.
 ۶. -----، (۱۳۷۹)، مبانی جمعیت‌شناسی، تبریز: جامعه پژوه دانیال.
 ۷. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد، (۱۴۱۸ق)، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۸. حرّعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۹. خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۱)، صحیفه نور، ج ۲۰ و ۱۵، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
 ۱۰. -----، (۱۳۶۸)، کتاب البیع، قم: اسماعیلیان.
 ۱۱. سجستانی، ابی داوود (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، ج ۲، قم: دارالفکر.
 ۱۲. طباطبایی بروجردی، حسین، (۱۳۸۳)، جامع احادیث الشیعه، قم: المطبعة العلمية.
 ۱۳. طباطبایی حکیم، محسن، (۱۴۰۴ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
 ۱۴. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین.

۱۵. -----، (۱۳۴۱)، مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی (المحشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طلعتی، محمدهادی، (۱۳۸۳)، رشد جمعیت تنظیم خانواده و سقط جنین، قم: بوستان کتاب.
۱۸. قمی، سیدصادق حسینی روحانی، (۱۴۱۴ق)، المسائل المستحدثة (للروحانی)، قم: دارالکتاب.
۱۹. قمی، محمدبن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. -----، (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۲. کتابی، احمد، (۱۳۶۴)، نظریات جمعیت شناسی، تهران: اقبال.
۲۳. محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. مؤمن قمی، محمد، (۱۴۱۵ق)، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. -----، (۱۳۷۶)، سخنی در تنظیم خانواده، قم: مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۹.
۲۶. نادری، معصومه، (۱۳۹۲)، پژوهشکده عفاف.
۲۷. نیک خلق، علی اکبر، (۱۳۷۴)، مبانی جمعیت شناسی، گناباد: مرندیز.

